

دوست عزیز، این اصل قیاس اصلاً اسلامی نیست شما باید قدری در نظریاتتان تجدید نظر کنید و گرنه با همان مشکلی روبرو می شوید که جمهوری اسلامی روبرو شده و خود شما از آن به مطلق اندیشی اشاره کرده اید، قرآن پر از متشابهات است که اگر با قیاس بخواهیم به آنها بیندیشیم جز گمراهی و هلاکت نتیجه ای نخواهد داشت از ما گفتن است شما خود دانید.

قیاس نیز که یک اصل اسلامی و ((روش)) مسلمین در برخورد با مسائل گوناگون زندگی است، بر پایهٔ مصادر چهارگانهٔ ((قرآن کریم، سنت مسلم، قانونهای علمی، و عقل بشری)) پدید می آید و بعدی از ابعاد عقل و تعقل بشری است و عبارت است از تشبیه پدیده های ((جدید)) به پدیده های ((اصل)) و استنباط و استخراج قوانین و احکام مناسب از آنها، به عبارت دیگر، قیاس مقایسهٔ پدیده ها و امور با در نظر گرفتن زمان و مکان و واقعیات جدید و اخذ قوانین و احکام ((مشابه)) است.

این حرف باطل محض است.

حسین میر مبینی

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر عزیز آقای حسین میر مبینی، سلام علیکم:

ایمیل شما در انتقاد از دیدگاه سماء در مورد «قیاس» دریافت شد. از انتقاد شما خوشحال شدیم، و دوست داشتیم اگر انتقادات دیگری هم از نظر شما بر دیدگاههای سماء وارد است، آنها را هم تذکر می دادی. و ان شاء الله در فرصتهای بعدی از این امر دریغ نخواهید کرد.

بدیهی است که تبادل آراء، خصوصاً زمانی که طرفین مسلمان باشند، مایهٔ رشد و تکامل و هوشیاری هرچه بیشتر است، و مشکلهٔ ایرانیان، خصوصاً در خارج از کشور، که زمینه اش هم وجود دارد، عدم انتقاد و یا انتقاد رشد دهنده و سازنده و مسئولانه است، که آنها ناشی از خصومت عمیق و ریشه دار در میان آنهاست. اینست که یا انتقاد وجود ندارد و نظرات مختلف مجال طرح شدن نمی یابند، و یا اگر انتقادی مطرح شد، معمولاً خصمانه و همراه با بدخواهی و نفی و انکار است.

شاید بهتر بود که اولین تبادلات فکری ما انتقادی نباشد، ولی حالا که اینطور شده باید آن را به فال نیک گرفت. گرچه این را هم باید اضافه کرد که شیوهٔ انتقاداتان میتواند دوستانه تر باشد و اینقدر خشک و گزنده نباشد، آنها در رابطه با موضوعی مثل «قیاس» که کمتر محل مناقشه است و در قانون سماء هم تنها در پاورقی آمده است.

نکته دیگر نیز اینست که انتقاد شما بدون استدلال است و برای موضع تان استدلالی ( نه قوی و نه ضعیف ) ارائه نداده ای . اینست که انتقاد شما بیشتر یک انتقاد فتوایی بحساب می آید!!، ولی با وجود این، خیلی قاطعانه ابراز نظر کرده ای!!، و از سماء هم خواسته ای که از آن دست بردارد و گر نه جز هلاکت و گمراهی نتیجه دیگری نخواهد داشت!!

و اما در رابطه با قیاس :

همانطور که در قانون سماء آمده است ، منابع و مصادر قوانین و اجتهادات سماء، قرآن ، سنت مسلم ، قانونهای علمی ، و عقل بشری هستند . در پاورقی هم به اجماع و قیاس پرداخته شده و به اهمیت آنها نیز توجه شده است .

نکته جالب توجه اینست که شما گفته اید : « قیاس اصلاً اسلامی نیست! » ، اما برای سماء معلوم نیست که منظور شما چیست؟ آیا این رأی قاطع شما مبنی بر نفی قیاس، ناشی از اینست که مثلاً فکر میکنید قیاس در قرآن و سنت نیامده؟ یا منظور شما اینست که مذاهبی که با تکیه بر قیاس حرکت میکنند ، اسلامی نیستند؟ و یا اینکه بر شما معلوم نیست که قیاس یکی از اصول مذاهب اربعه و از منابع چهارگانه فقه سنت و جماعت است ، که امروزه اکثریت مسلمین پیرو آن هستند؟ البته ( با توجه به نوشته شما ) این احتمال هم وجود دارد که شما بین قیاس ( تشبیه پدیده ها به یکدیگر ) و آیات متشابه ( آیاتی که مشخصاً بر امور و چیزهای معینی دلالت نمیکند و میتوان از آنها بیش از یک معنا دریافت کرد و در عین حال اصل کتاب الله نیستند ) ، فرقی قائل نشده ای!!

از دیدگاه سماء ، قیاس یک اصل بشری ، یک اصل اسلامی، یک اصل علمی ، یک اصل فقهی، و سنت مسلمین است. بحث روی قیاس و کاربرد آن در این میدانها ، جواب را خیلی طولانی میکند . در نتیجه فقط فهرست وار چنین باید گفت :

۱- قیاس یک اصل بشری است و بشریت بدون قیاس نمیتواند زندگی کند، و هیچ بشر و جامعه ای در طول تاریخ خود بدون قیاس و تشبیه پدیده ها به یکدیگر و اخذ نتایج و تجربیات و راههای لازمه وجود نداشته است، بنابر این ، قیاس را میتوان اصلی مربوط به نوع بشر دانست و عقل بشری بدون قیاس ناقص است ، و حتی حیوانات هم به نوبه خود از قیاس استفاده میکنند .

۲- قیاس یک اصل اسلامی است و بسیاری از آیات قرآن و احادیث رسول که تاریخ را نقل میکنند ، و آیات مربوط به عبرت از تاریخ ، و تجربه گرفتن از جوامع ، و الگوسازی ، و داستانهای پیامبران، و مثالهای قرآنی و .... مبنی بر قیاس و صدور حکم در رابطه با آنها و اخذ و یا نفی و عبرت از آنهاست ، و در این رابطه میتوان صدها آیه ذکر کرد . بر این اساس ، قیاس یک اصل اسلامی است .

۳- قیاس یک اصل علمی است، و این اصل علمی، علاوه بر اینکه یکی از پایه‌های منطق ارسطو است، در همه علوم عقلی و نقلی و تجربی اعم از فلسفه، تاریخ، جغرافیا، ستاره‌شناسی، فیزیک، جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، باستان‌شناسی و .... کاربرد دارد، و بدون قیاس، کلیه علوم دچار مشکل میشوند.

۴- قیاس یک اصل فقهی است و هرکسی با الفبای فقه آشنا باشد، میدانند که قیاس یک از اصول چهارگانه مذاهب اربعه اهل سنت است که بیش از هزار میلیون پیرو دارند، و خصوصاً پایه اجتهادی ابوحنیفه (بنیانگذار مذهب حنفی) و محمد ادریس شافعی (بنیانگذار مذهب شافعی) است و بعد از قرآن، سنت، و اجماع قرار دارد. اینست که قیاس یک اصل فقهی و یکی از منابع چهارگانه فقه اسلامی است.

۵- قیاس، سنت مسلمین است، و در تمام مراکز فرهنگی و آموزشی مسلمین و همه کتب مربوط به منابع اجتهاد و حکم و فتوی، قیاس وجود دارد و لازمه فتوی و اجتهاد است. اصلاً بدون قیاس بخش بزرگی از اجتهاد اسلامی و تطویر و تطبیق فقه اسلامی فلج خواهد شد!!

و بالاخره، پاورقی قانون سما، در مورد قیاس، که در متن آقای میر مبینی نیز آمده است، دوباره ارائه میشود، و بدین صورت است:

قیاس نیز که یک اصل اسلامی و ((روش)) مسلمین در برخورد با مسائل گوناگون زندگی است، برپایه مصادر چهارگانه ((قرآن کریم، سنت مسلم، قانونهای علمی، و عقل بشری)) پدید می‌آید و بعدی از ابعاد عقل و تعقل بشری است و عبارت است از تشبیه پدیده‌های ((جدید)) به پدیده‌های ((اصل)) و استنباط و استخراج قوانین و احکام مناسب از آنها، به عبارت دیگر، قیاس مقایسه پدیده‌ها و امور با در نظر گرفتن زمان و مکان و واقعیات جدید و اخذ قوانین و احکام ((مشابه)) است.

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۱۱ ذی الحجه ۱۴۲۲ - ۴ اسفند ۱۳۸۰